

شبهه

باور، راهی برای دوری از شبهه



مایک فهم داریم، یک باور، فهم، در اختیار ما نیست؛ ولی باور، در اختیار ماست. اراده در فهم، دخیل نیست؛ اما در باور، دخیل است؛ برای اینکه به ویروس درونی «شک و شبهه» مبتلا نشویم، باید آنچه را فهمیده‌ایم، باور و عمل کنیم. تا عمل در کار نباشد، یقین حاصل نمی‌شود. برای نجات از گزند شبهه، بهترین راه، این است که هر چه را فهمیدیم، عمل کنیم و باور کنیم و با روی نفس بگذاریم.

آیت‌الله جوادی آملی، توصیه‌ها، پرسش‌ها و پاسخ‌ها

شبهه‌شناسی

گفتمان‌سازی و پاسخ‌گویی

ضمیمه نشریه پاسخ، ویژه‌یوبیش مطالعاتی پژوهشگران و طلاب جوان شماره دوم / نیمه دوم تیرماه ۱۴۰۱

۲

- راز خانه مکعب
- اسلام ایرانی یا ایران اسلامی؟
- اداره خانواده با جمعیت زیاد!
- غدیر، وحدت را یا تفرقه آفرین؟
- نقش محکمت در رسیدن به مقصد
- چگونه به یک شبهه پاسخ دهیم؟
- من یک زنم، آزادی ام را دوست دارم
- علی بصیرت‌عماروار می‌خواهد...
- نواندیشی دینی و چالش‌های آینده آن

شبهه‌روز

نقش محکمت در رسیدن به مقصد

حسین سروقامت

انسان، اشرف مخلوقات و گل سرسید هستی است. وی از این منظر، دارای شخصیتی چندوجهی است که بدون در نظر گرفتن همه این ابعاد، راه به جایی نمی‌برد.

انسان، خدامحور است. از فیض خداوند، پای به سرای فانی گذارده، با لطف و مرحمت او، زندگی می‌کند و سرانجام به سوی او باز می‌گردد.

انسان، متعادل و گریزان از افراط و تفریط است. در انسان کامل، همه قوا، به حد تعادل رسیده، متناسب و موزون است. شخصیت او، کاریکاتوری نیست که در برخی ابعاد، فربه‌تر و در برخی، نحیف‌تر باشد.

انسان، همچنین جامعه‌پذیر است. چنانچه قرآن، حضرت محمد ﷺ را پیامبری درس‌نخوانده از میان مردم، معرفی نموده، وی را اسوه‌ای شایسته برای امت اسلامی برمی‌شمارد.

کمال‌گرایی، ویژگی دیگر انسان است؛ خصوصیتی که او را از ایستایی، باز داشته، رشد و تعالی وی را موجب می‌شود؛ به گونه‌ای که تساوی دو روز او، ضرر و زیان، شمرده شده، رفتن و رسیدن او به خدا و آن گاه مقام شایسته «ملاقات رب»، مسیر طبیعی وی در نظر گرفته شده است؛ «یا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَيَّ رَبِّكَ كَذَّآءً قَلِيلٍ».

این پرسش، کاملاً سزاوار است که برای تربیت چنین انسانی، به چه ابزاری نیاز است و باید سراغ چه وسیله‌ای رفت؟

یکی از ساده‌ترین پاسخ‌ها، این است که باید به «محکمت» روی آورد و از «متشابهات» پرهیز کرد.

«محکم»، اگر بر موجودات اطلاق شود، به پایداری و استقامت آنها دلالت می‌کند و اگر به سخنان و اقوال نسبت داده شود، ضامن روشنی و قاطعیت آنهاست؛ شفافیت و استحکامی که احتمال هر گونه خلاف را از آنها دور می‌کند. «متشابه» نیز به چیزی می‌گویند که اجزای مختلف آن، شبیه هم بوده، تشخیص آنها از یکدیگر، دشوار باشد. بدین ترتیب، به سخنانی که دارای معانی پیچیده‌ای هستند که احتمالات گوناگونی درباره آنها داده می‌شود، متشابه می‌گویند.

روی آوردن به محکمت و پرهیز از متشابهات در

«محکم»، اگر بر موجودات اطلاق شود، به پایداری و استقامت آنها دلالت می‌کند و اگر به سخنان و اقوال نسبت داده شود، ضامن روشنی و قاطعیت آنهاست؛ شفافیت و استحکامی که احتمال هر گونه خلاف را از آنها دور می‌کند. «متشابه» نیز به چیزی می‌گویند که اجزای مختلف آن، شبیه هم بوده، تشخیص آنها از یکدیگر، دشوار باشد

ساخت و پرداخت شخصیت انسان، حداقل چند فایده دارد:

M نخست آنکه مبدا، مسیر و مقصد را به درستی می‌نمایاند؛ راه را از سنگلاخ‌ها تهی ساخته، علامات روشنی، کنار جاده انسانیت قرار می‌دهد که رهرو را از هر گونه گمراهی، رهانده، مستقیم به مقصد برساند؛

M دیگر آنکه نقشه راه را در مقابل او گسترده، قدم به قدم، او را هدایت و راهنمایی می‌کند؛

M سوم آنکه وی را از هر گونه خطر احتمالی، آگاه ساخته، ابزارهای لازم را جهت مقابله با خطر، در اختیار او قرار می‌دهد؛

M چهارم آنکه با عنایت به وضوح مسیر و تصویر دقیق و روشنی که از مقصد می‌دهد، آدمی را لحظه به لحظه، برای نیل به مقصد، تشویق و ترغیب می‌کند.

متشابهات و به تبع آن، شبهات نیز چنان آسیب‌زا و بیم‌آفرین هستند که ابدیت آدمی را به مخاطره می‌افکنند.



شبهه پژوهی

غدیر، وحدت زایا تفرقه آفرین؟

غلامحسن محرمی، دکترای تاریخ و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



«شبهه پژوهی غدیر» هفتمین مدرسه شبهه پژوهی بود که از سوی مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات، در مرداد ماه ۱۴۰۰ برگزار شد و در آن، هفت موضوع مهم، ارائه گردید و شبهات درباره مسئله غدیر، پاسخ داده شد. در این مدرسه، حجت الاسلام والمسلمین غلامحسن محرمی، به موضوع «جایگاه غدیر در وحدت امت اسلامی» پرداخت که در ادامه، منتخبی از بیانات ایشان، تقدیم می‌شود.

که یکی از کارکردهای این خط، باقی ماندن اتحاد مسلمانان بود. آن خط، همان خط غدیر است. خط غدیر، یعنی ای مسلمانان! از این به بعد، اگر خواستید متحد بمانید و اتحادتان به هم نخورد، از غدیر پیروی کنید.

حدیث غدیر، حرف جدیدی دارد. مهم‌ترین روایتی که در مورد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد حدیث غدیر است و خصوصیتش این است که این حدیث، مورد قبول فریقین است. حتی فرد لجاج و معاندی مثل ابن تیمیه نیز این حدیث را انکار نکرده و آن را قبول دارد.

معنای سخن پیامبر در حدیث غدیر، این است که اگر می‌خواهید در این اتحاد باقی بمانید، جانشین من، رهبر و امام شما، علی بن ابی طالب علیه السلام است و اگر به او چنگ بزنید، می‌توانید متحد باقی بمانید. مسئله غدیر، این را به مسلمانان می‌گوید که ادامه اسلام را در علی بن ابی طالب علیه السلام ببینید. اگر دنبال او باشید، متحد و سالم، باقی خواهید ماند و ضربه نخواهید خورد؛ اما متأسفانه بعد از رحلت پیامبر، این وصیت، تا حدی بر زمین ماند و در نتیجه، مسلمانان ضربه خوردند.

پس امامت - که برخاسته از حدیث غدیر است - موجب اتحاد مردم است و زمینه‌ساز یابی هویت ایشان را فراهم می‌آورد تا بتوانند در مقابل دشمنان و بدخواهان، دوام بیاورند و به حیات خویش، ادامه دهند. ▶

مسئله
غدیر، این را
به مسلمانان می‌گوید
که ادامه اسلام را در علی بن
ابی طالب علیه السلام ببینید. اگر دنبال او
باشید، متحد و سالم، باقی خواهید ماند و
ضربه نخواهید خورد؛ اما متأسفانه بعد از
رحلت پیامبر، این وصیت، تا حدی
بر زمین ماند و در نتیجه،
مسلمانان ضربه
خوردند

«اهل حدیث» بود. این واژه در مقابل معتزله پدید آمد و بعد در مقابل شیعه قرار گرفت. یعنی اصلاً واژه‌ای نبود که در مقابل شیعه باشد.

در زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اصلاً سخنی از شیعه و سنی نیست. پیامبر چه کار کند که امت، ادامه پیدا کند و اتحاد این امت، برقرار باشد؟ علت بقا، همان علت حدوث است. اسلامی که مسلمانان را متحد کرد و اختلاف را از میان آنان برداشت، همین اسلام می‌تواند اتحاد آنها را تضمین کند و نگذارد دوباره متفرق شوند و با هم بجنگند.

مشیت خدا بر این قرار گرفت که پیامبر اکرم، عمری عادی داشته باشد و از دنیا برود؛ لذا پیامبر، برای آینده اسلام و مسلمانان، خطی ترسیم کرد

سوال این است که واقعه غدیر خم - که یکی از مهم‌ترین حوادث تاریخی است - چه تاثیری در وحدت امت اسلامی، داشته یا می‌تواند داشته باشد؟ البته در ابتدا، این سوال به ذهن می‌آید که مسئله غدیر، وحدت‌زاست یا تفرقه‌آفرین؟ ظاهر این است که ما در مقابل اهل سنت می‌گوییم پیامبر اکرم، امیرمؤمنان علیه السلام را در غدیر، به امامت برگزید و ما پیرو او هستیم و از شما جدا هستیم؛ اما گفتن این حرف از طرف شیعیان، موجب وحدت می‌شود یا تفرقه؟

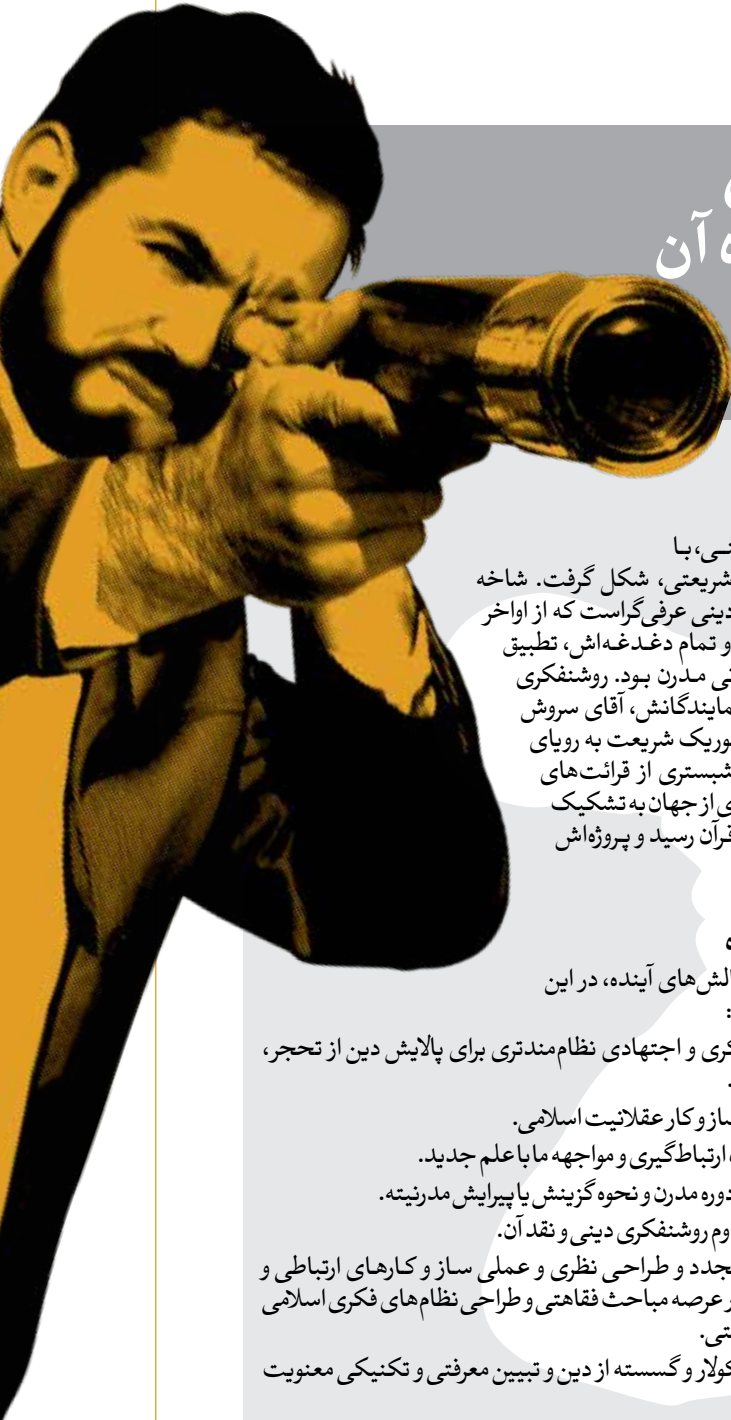
گاهی گفته می‌شود ما از اهل سنت، جدا و شیعه شدیم؛ در حالی که اسلام اصیل، همان تشیع و پیروی از اهل بیت است. ریشه تشیع، به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برمی‌گردد. تشیع به هیچ وجه چیزی جدای از اسلام نیست. تشیع، مذهب و جریانی در ادامه اسلام است. ما اگر بگوییم تشیع پدید آمده، سخن غلطی است. اگر این طور فرض کنیم که اسلام، روند خودش را می‌رفته و ما شیعه‌ها پدید آمدیم و به حدیث غدیر، استناد جستیم، غدیر عنصری می‌شود که تفرقه می‌آورد و ما را از سایر مسلمانان یا غالب و جمهور مسلمانان، جدا می‌کند؛ در حالی که این طور نیست. تشیع، همان اسلام است و چیزی جز اسلام نیست؛ اما کلمه اهل سنت، چیزی است که بعداً پدید آمد. واژه «اهل سنت»، واژه‌ای است که در قرن سوم و در زمان متوکل و احمد بن حنبل، پدید آمد و قبل از آن،

شبهات

ضمیمه نشریه پاسخ، ویژه پوشش مطالبات طلاب جوان شماره دوم / نیمه دوم تیرماه ۱۴۰۱

نواندیشی دینی و چالش‌های آینده آن

آنچه پیش روی شماست، گزیده مباحث حجت الاسلام والمسلمین محمد جعفری، عضو هیئت علمی مؤسسه امام خمینی، با موضوع «آینده پژوهی شبهات دینی در حوزه روشنفکری و نواندیشی دینی» است.



روشنفکری دینی و نواندیشی دینی، از هم جدا هستند؛ هرچند نقطه آغازین و تولد این دو جریان، یکی است. نقطه عزیمت این دو جریان، ورود مدرنیته به جهان اسلام است. جذابیت‌های فکری، ابزاری و تکنولوژیکی مدرنیته و فریبندگی آن، روی آوری جهان اسلام را به سمت خودش، فراهم کرد و تبعاً چالش‌ها و پیامدهای جدی در بعد هویتی، عرصه تمدنی و عرصه زیستی و سبک زندگی مسلمانان ایجاد کرد. برای اندیشمندان جهان اسلام، این پرسش مطرح شد

که «چگونه باید با مدرنیته مواجه شویم؟» در مواجهه با مدرنیته، سه رویکرد کلی پدید آمد:

۱. رویکرد تجددگرا که مفتون مدرنیته و غرب و ضد دین است. این رویکرد، خود به دو شاخه تقسیم می‌شود:

الف: روشنفکری لاییک که امثال تالبوف، ملک‌خان و دیگران در پیش از مشروطه و امثال تقی‌زاده پس از مشروطه، نمایندگان آن هستند.

ب: روشنفکران دینی که دغدغه اصلی آنان، جمع میان دین و تجدد، به گونه‌ای است که حیات دین در دوره مدرن، تضمین شود. این دغدغه، مبارک است؛ اما متأسفانه در اکثر نظریه‌ها و خوانش‌های ایشان، دین به سود مدرنیته، دگرگون شده است.

۲. رویکرد دوم، عالمان دینی تجددستیز هستند. تجددستیزها، در سه شاخه دسته‌بندی می‌شوند: سنت‌گرایان، هویت‌اندیشان و تجددستیزان شریعت‌گرا.

۳. رویکرد سوم، نواندیشان دینی یا احیایان هستند. اینها مانند روشنفکران دینی، دغدغه تداوم حیات دین در دوره مدرن را دارند؛ اما برخلاف روشنفکران - که مبتنی بر خرد انتقادی و خودبیناد مدرن، سخن می‌گویند - با ساز و کار بازسازی دین از طریق بازخوانی منابع اصلی دین و بر اساس اجتهاد صحیح و روشمند، سخن می‌گویند. شخصیت‌هایی مانند امام خمینی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر، در این دسته قرار دارند.

گونه‌شناسی روشنفکران دینی

روش روشنفکری دینی برای تجدید حیات دین در دوره مدرن، بازخوانی و بازسازی دین بر اساس مدرنیته است. حال وقتی بنیاد تفکر بر مبانی مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی مدرنیته - که بر پایه اومانیزم (انسان محوری)، رشنالیزم (عقل محوری)، آمپیریسم (تجربه‌گرایی) در عرصه‌های معرفتی و لیبرالیسم (آزادی محوری)، سکولاریسم (دنیا محوری)، پلورالیسم (تکثرگرایی) و ایندیویدوالیسم (فردگرایی) در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی قرار دارد - مشخص است که باید در مبانی و آموزه‌های دین، تجدید نظر کرد.

در اوایل دهه ۲۰، مرحومان بازگان و سحابی، پیش‌تاز بودند و می‌خواستند دین را با علوم طبیعی، انطباق دهند. در دهه ۴۰ تا ۶۰، روشنفکری دینی اجتماعی

یا روشنفکری دینی - سوسیالیستی، با محوریت مرحوم شریعتی، شکل گرفت. شاخه سوم، روشنفکری دینی عرفی‌گراست که از اواخر دهه ۶۰ پدید آمد و تمام دغدغه‌اش، تطبیق دین با علوم انسانی مدرن بود. روشنفکری دینی عرفی‌گرا با نمایندگانش، آقای سرش از قبض و بسط تئوریک شریعت به رویای رسولانه و آقای شبستری از قرائت‌های متعدد و قرائت نبوی از جهان به تشکیک در اصالت دین و قرآن رسید و پروژه‌اش پایان یافت.

چالش‌های آینده

به نظر می‌رسد چالش‌های آینده، در این حوزه‌ها خواهد بود:

- ارائه دستگاه فکری و اجتهادی نظام‌مندتری برای پالایش دین از تحجر، پیرایه‌ها و خرافه‌ها.
- تبیین ماهیت و ساز و کار عقلانیت اسلامی.
- تبیین نگاه، نحوه ارتباط‌گیری و مواجهه ما با علم جدید.
- درک اقتضائات دوره مدرن و نحوه‌گزینش یا پیرایش مدرنیته.
- مسئله امکان تداوم روشنفکری دینی و نقد آن.
- رابطه سنت و تجدد و طراحی نظری و عملی ساز و کارهای ارتباطی و مناسبات آن دو، در عرصه مباحث فقه‌ای و طراحی نظام‌های فکری اسلامی در عرصه‌های زیستی.
- نقد معنویت سکولار و گسسته از دین و تبیین معرفتی و تکنیکی معنویت دینی.
- بحث قلمرو دین یا انتظار بشر از دین.
- بحث گوهر و صدف دین.

• هرمنوتیکی کتاب و سنت.

• مقوله الهیات بدن.

• الهیات بدون خدا و نقش فقه و شریعت در زندگی انسانی؛ چه فردی چه اجتماعی.

• حکومت دینی، به ویژه ساز و کار پیاده‌سازی احکام اجتماعی اسلام و الگوی حکمرانی مطلوب.

• علوم انسانی اسلامی.

• مباحث فلسفه علم در همه عرصه‌ها.

• فقه نظام‌ها، اعم از اقتصاد، مدیریت و ...

• مسئله اسلام رحمانی. ▶

جذابیت‌های فکری، ابزاری و تکنولوژیکی مدرنیته و فریبندگی آن، روی آوری جهان اسلام را به سمت خودش، فراهم کرد و تبعاً چالش‌ها و پیامدهای جدی در بعد هویتی، عرصه تمدنی و عرصه زیستی و سبک زندگی مسلمانان ایجاد کرد. برای اندیشمندان جهان اسلام، این پرسش مطرح شد که «چگونه باید با مدرنیته مواجه شویم؟»

حکومت امیرمومنان علیؑ و معمای بیعت صحابه

معرفی کتاب «حکومت امام علیؑ با رویکرد آسیب شناسی تاریخ نگاری عثمانی»



در باره دوران خلافت امام علیؑ، گزارش های تاریخی و گزارش های گاه متضاد و متناقض و مخالف با شان، سیره و منزلت آن حضرت، در منابع یافت می شود. این گزارش ها از مکتب تاریخ نگاری عثمانی، همچون اسرئیلیات دخیل، محل رویش شبهات فراوانی درباره سیره معصومان بوده است. این مبنای منحرف، در دوره حکومت امام علیؑ، تبدیل به یکی از جریان های تاریخ نگاری دخیل در گزارش های تاریخ صدر اسلام، به ویژه دوره خلافت امیرمومنان علیؑ گردید. رویکرد کتاب «حکومت امام علیؑ»، اثر جناب آقای سید علی خیرخواه علوی^۱، تبیین تاثیر جریانی است که به جعل اخبار در بیعت و حکومت امام علیؑ می پردازند. گزارش های دروغ طرفداران عثمان در لابه لای گزارش های درست در منابع و متون شیعی نیز رسوخ کرده، گاهی بدون بررسی صحت و سقم آنها، مورد استناد و استفاده قرار گرفته اند. در ادامه، یکی از شبهات پاسخ داده شده در این کتاب را با هم می خوانیم.

شبهه: امامت امام علیؑ، بر اساس اتفاق امت نبود؛ بلکه برخی از صحابه، تهدید به بیعت شدند.

پاسخ: گزارش گران عثمانی، بسیار تلاش کرده اند که این بیعت را بدون اجماع و درباره بزرگان صحابه، از سراجبار و تهدید، جلوه دهند. شعبی، از جمله این گروه است که منکر اجماع در بیعت با امام شده، از کسانی چون سعد بن ابی وقاص نام برده که از بیعت، خودداری کرده اند. در گزارش وی آمده است:

«امام نزد عبدالله بن عمر و سعد بن ابی وقاص رفت و از آنان خواست تا بیعت کنند؛ اما آنان بیعت خود را به بیعت تمام مردم، مشروط کردند.

پس امام، از آنان دل کند و کسی را برای گرفتن بیعت، به سوی محمد بن مسلمة انصاری و وهب بن صیفی انصاری فرستاد؛ اما آنها نیز با این بهانه که رسول خدا ﷺ فرموده است: «در فتنه ها از امت، دوری کنید و در خانه های خود بنشینید»، از بیعت با آن حضرت، سر باز زدند و خود را خانه نشین کردند. اسامه بن زید نیز با وجود اظهار علاقه شدید به امام، با این استدلال

که با خود عهد کرده با کسی که «لااله الا الله» می گوید، نجنبند، با امام، بیعت نکرد»^۲.

فراز پایانی گزارش شعبی، آنجا که به نقل سخن اسامة بن زید اختصاص دارد، به خوبی روشن می کند که این گزارش، مربوط به زمان بیعت با امام نیست؛ بلکه مربوط به زمانی است که امام، تصمیم به سرکوب شورش عایشه و امویان داشت و از این افراد خواست تا او را در نبرد، همراهی کنند و هر یک به بهانه ای، از حضور در سپاه امام، خودداری کردند. از این رو، بر خلاف سخن شعبی، این گزارش را باید تاییدی بر بیعت بزرگان مدینه با امام دانست؛ زیرا اگر این افراد، با امام بیعت نکرده بودند، درخواست امام از آنان برای شرکت در جنگ، بی معنا بود. در تایید این دیدگاه، می توان به گزارشی از سیف، استناد کرد که در آن، به صراحت، چنین بیان

کرده است:

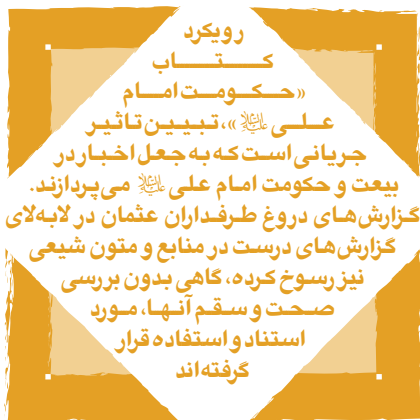
«حضرت پس از آگاهی از حرکت سپاه مکه، از عبدالله بن عمر خواست که او را در جنگ، همراهی کند؛ اما عبدالله، حضور خود را به همراهی همه اهل مدینه، مشروط کرد»^۳.

زهري نیز از جمله عثمانیانی است که تلاش کرده اجماع حاضران در مدینه را برای بیعت با امام، خدشه دار نماید. او گفته: «گروهی از مردم، با امام، بیعت نکردند و به شام گریختند که قدامه بن مظعون، عبدالله بن سلام و مغیره بن شعبه، از جمله این افراد بودند»^۴. این در حالی است که به گزارش سیف، مغیره، تاروژها

بعد از بیعت مردم با امام، در مدینه ماند و به ایشان درباره عزل کارگزاران عثمان، مشورت داد.^۵ زهري همچنین در گزارشی تامل برانگیز، بیعت زبیر را منکر شده است.^۶

در رد این دسته از گزارش ها، می توان به گزارش دیگری از زهري اشاره کرد که در آن، به اجماع بیعت کنندگان، تصریح کرده است.^۷ همچنین باید به گزارش سیف از محمد و طلحه، استناد کرد که حاکی

از اجماع مردم در بیعت با امام است.^۸ روایات دیگری نیز مبنی بر بیعت اهل حرمین و عامه مسلمانان، گزارش شده که نافی ادعاهای منکران اجماع است.^۹



پی نوشت:

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی استان کیلان: alavitkd@gmail.com.
۲. بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۳. طبری، ریاض النضره، ج ۳، ص ۴۶۵-۴۶۶.
۴. همان، ص ۴۵۲.
۵. همان، ص ۴۵۹-۴۶۰.
۶. همان، ص ۴۵۲.
۷. بلاذری، همان، ج ۲، ص ۲۱۵.
۸. طبری، همان، ج ۳، ص ۴۵۷.
۹. بلاذری، همان، ج ۳، ص ۸، ۹، ۱۱.



روش پاسخ‌گویی

چگونه به یک شبهه پاسخ دهیم؟

احمد رضا دردشتی / دانش آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری قرآن و علوم روان شناختی دانشگاه بین المللی المصطفی

شده، بر این اساس، نظام اخلاقی اسلام، به عامل عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، معرفی شده باشد. اینجا در مقام پاسخ‌گویی، لازم است مفهوم اسلامی «زهد»، به درستی تبیین گردد.

گام سوم: توضیح و تبیین مبانی شبهه
مثلاً این شبهه که «قرآن، کلام خود پیامبر است»، بر اساس این مبنای هرمنوتیکی سامان یافته که «زبان، یک رفتار بین‌الذاتانی کاملاً انسانی است و موجودات غیرانسانی، حتی خدا، نمی‌توانند با انسان‌ها گفت‌وگو کنند! به این مبنا، نقد شده که «خداوند، خالق انسان و عالم به همه خصلت‌های انسانی است و از این رو، می‌تواند با انسان‌ها سخن بگوید».

گام چهارم: توضیح رویکرد شبهه
توضیح رویکرد شبهه، نقد آن و تبیین رویکرد صحیح، در صورت لزوم (مثلاً تضاد رویکرد شبهه با ماهیت مسئله اصلی)؛ به عنوان مثال، ممکن است یک مسئله حقوقی (تفاوت دیه زن و مرد)، با رویکرد عاطفی (تحریک احساسات به سود زنان)، بررسی و به چالش کشیده شده باشد.

گام پنجم: توضیح روش استدلال
توضیح روش استدلال به کار رفته در شبهه، نقد آن و تبیین روش صحیح بررسی مسئله، در صورت لزوم؛ مانند استفاده شبهه‌کننده از روش علمی (استناد به نظریه انتخاب طبیعی داروین) در نقد یک مسئله فلسفی (نفی خالقیت خداوند).

ج اصول حاکم بر پاسخ‌گویی

- ارائه پاسخ نقضی و حلی، در صورت امکان.
- ارائه بهترین تبیین ممکن؛ در صورتی که شبهه، پاسخ قاطع و نهایی ندارد.
- مقدم داشتن نقد مبنایی بر نقد بنایی.
- پرهیز از بیان نظرات شاذ و غیرمعتبر.
- ارائه مستندات معتبر و دست اول (در صورت امکان).
- ارائه پاسخ‌های متعدد، در صورت لزوم.
- استفاده از تمثیل و تشبیه (تشبیه معقول به محسوس)؛ به ویژه برای مخاطب عام.

نیت خوانی و برجسب زدن به پرسش‌گر و کسی که شبهه‌ای را بیان می‌کند، در واقع، همان متهم ساختن او به انگیزه‌های نامطلوب است. این کار، علاوه بر خارج کردن پاسخ از چارچوب علمی و اخلاقی، موجب قطع رابطه پاسخ‌گو و مخاطب و حکم اثر شدن پاسخ‌گویی می‌شود

پرسش‌ها و شبهات لازم است. گاهی رفتار (نیک یا بد) پاسخ‌گو، از پاسخ او، اثر بیشتری بر مخاطب می‌گذارد.

۵. مخاطب‌شناسی

مقصود از مخاطب‌شناسی، شناخت و مراعات مختصات جنسیتی، سطح دانش، هوش، انگیزه، ویژگی‌های روان‌شناختی و خاستگاه ذهنی - روانی بیان‌کننده شبهه در پاسخ‌گویی است.

۶. آزادمنشی

پرهیز از پافشاری بر قبول پاسخ از سوی مخاطب و لزوم رعایت آزادی مخاطب در پذیرش پاسخ، ضروری است.

ب. فرآیند پاسخ‌گویی به شبهه

گام اول: تشریح ساختار شبه استدلالی شبهه
ساختار استدلالی شبهه (مقدمات و نتیجه)، معمولاً در متن‌های طولانی یا بسیار کوتاه و نیز محتوای هنری (مثل نقاشی، فیلم، عکس نوشت و...) کاملاً مشخص نیست.

گام دوم: توضیح مفاهیم اصلی شبهه
و در صورت لزوم، نقد تفسیری که شبهه‌کننده، از آن مفاهیم، ارائه کرده است؛ مثلاً ممکن است در یک شبهه، مفهوم «زهد» در فرهنگ اسلامی، به دنیاگریزی و فقرخواهی، تفسیر

پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات دینی، یکی از کارویژه‌های مهم و اصلی عالمان دینی است. «شبهه»، عبارت است از هر محتوای علمی، رفتاری، نمادین، هنری و غیره که ساختاری شبه‌استدلالی داشته، در صحت یا حقیقت یکی از معارف، آموزه‌ها، ارزش‌ها و احکام قطعی یا معتبر اسلامی، تردید ایجاد کند. «پاسخ‌گویی»، روشن ساختن مغالطه نهفته در شبهه و تبیین اشکالات آن است. در این نوشتار، به مهم‌ترین عناصر فرآیند پاسخ‌گویی کارآمد، اشاره می‌کنیم.

الف. پیش‌نیازهای پاسخ‌گویی به شبهه

۱. اخلاص در نیت و عمل

اخلاص، یعنی پیراستن نیت و عمل از انگیزه‌های نامشروع و نامقبول سیاسی، شخصی، صنفی، گروهی، مادی و... و تنها، حرکت کردن با انگیزه حقیقت‌طلبی. از این رو، پاسخ‌گویی به شبهات، باید برای تسهیل حقیقت‌جویی و آگاهی بخشی به جامعه باشد. انگیزه‌های نامقبول و نامشروع، پاسخ‌گو را در معرض خودبرتری، خودشیفتگی، کجاست و دفاع‌های نابه‌جا و متعصبانه قرار می‌دهد.

۲. پرهیز از برجسب زدن و نیت خوانی

نیت خوانی و برجسب زدن به پرسش‌گر و کسی که شبهه‌ای را بیان می‌کند، در واقع، همان متهم ساختن او به انگیزه‌های نامطلوب است. این کار، علاوه بر خارج کردن پاسخ از چارچوب علمی و اخلاقی، موجب قطع رابطه پاسخ‌گو و مخاطب و حکم اثر شدن پاسخ‌گویی می‌شود.

۳. پرهیز از شتاب‌زدگی در پاسخ

خواندن با تامل (در شبهات نوشتاری) و گوش دادن همدلانه و دقیق به سخن دیگران (در شبهات شفاهی)، گام اول برای پاسخ‌گویی، یعنی همان فهم دقیق و کامل شبهه است.

۴. اخلاق مداری

جدیت در رعایت ادب، احترام، شکیبایی، بردباری، انصاف و خیرخواهی، در پاسخ‌گویی به

رفع شبهه

اسلام ایرانی یا ایران اسلامی؟

شبهه: زیبایی اسلام ایرانی، از عمق تمدن و فرهنگ اصیل ایرانی برخاسته است. خدای ایرانیان، «الله» اسلام نیست. خداوند ایران، عاشق همه مخلوقاتش است؛ به همین دلیل، اسلام ایرانی، زیباتر از اسلام سایر مناطق جهان است!

پاسخ شبهه

مصدق خدا در ادیان آسمانی، یکی است. اگر دین کهن ایرانی، یعنی دین زرتشت، آسمانی بوده و زرتشت هم پیامبر آن بوده است، ممکن نیست خدای زرتشت، غیر از خدای پیامبر اسلام باشد. هرچند زرتشت به ثنویت معروف است؛ اما مراد از خدای خیر، یعنی اهورامزدا در دین زرتشت، همان خدای واحد یگانه است که در دین اسلام، مسیحیت و یهودیت، فرستنده پیامبران برای هدایت بشر است. با دوگانگی رفتار پیروان ادیان، نمی‌توان خدای خوب و بد را خلق کرد. بنابراین، در این شبهه که از خدای مجهول و بدون اسم و وصف، در برابر خدای واحد ادیان آسمانی، سخن گفته شده است، هیچ محملی برای آن وجود ندارد، جز اینکه بر خدای ادیان آسمانی، حمل گردد.

پذیرش یا مردود شمردن دین، با معیار سلیقه ذوقی و ریشه داشتن آن در یک ملت و قوم، به دور از معیارهای عقلی است. این معیار، در آیات متعددی، معیار غیرمعقول و غیرعلمی معرفی شده است. قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»^۱ و هنگامی که به آنها گفته شود: از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم، پیروی می‌نماییم. آیا اگر پدران آنها، چیزی نمی‌فهمیدند و هدایت نیافتند، (باز از آنها پیروی خواهند کرد؟)».

البته وجود فرهنگ، علم و ادب در ایران زمین، قابل انکار نیست و مردم ایران زمین، نسبت به سایر ملت‌ها، خدمات شایانی را برای دین اسلام، انجام داده‌اند؛ اما به گفته آیت‌الله شهید مطهری، «اگر قرآن نبود، مولوی، حافظ، سنایی، عطار، سعدی و امثال آنها، به وجود نمی‌آمدند. استعداد ایرانی، با نور اسلام، شکفت و این افتخار، ایران را بس که توانست معارف اسلام را بهتر از هر

مردم ایران زمین، نسبت به سایر ملت‌ها، خدمات شایانی را برای دین اسلام، انجام داده‌اند؛ اما به گفته آیت‌الله شهید مطهری، «اگر قرآن نبود، مولوی، حافظ، سنایی، عطار، سعدی و امثال آنها، به وجود نمی‌آمدند. استعداد ایرانی، با نور اسلام، شکفت و این افتخار، ایران را بس که توانست معارف اسلام را بهتر از هر قوم دیگری، دریافت کند»

قوم دیگری، دریافت کند».^۲ همچنین دانشمندان بزرگی مانند شیخ طوسی، طبرسی، خواجه نصیر طوسی، مجلسی، کلینی، صدوق، ابن سینا و... از خطه ایران زمین بوده‌اند که خدمات بزرگی را برای دین اسلام، انجام داده‌اند. بنابراین، این اسلام است که بر فرهنگ مردم ایران، تاثیر گذاشته و به آن، زیبایی داده است و شخصیت‌های علمی، در این سرزمین، رشد نموده، شهرت جهانی پیدا کرده‌اند. اگر اسلام از فرهنگ و ادبیات ایرانی، تاثیرپذیر بوده است، می‌بایست دین اسلام، از ثنویت یا دو خدایی،^۳ تقدیس آتش،^۴ خویده و یا ازدواج با محارم،^۵ نوشیدن ادرار گاو برای پاک شدن زن حائض یا زنی که بچه مرده به دنیا آورده،^۶ ده هزار تازیانه و کشتن ده هزار مار، ده هزار سنگ پشت، ده هزار قورباغه یا ده هزار مورچه برای کسی که سگ آبی را بکشد،^۷ عاریه دادن زن به دیگران^۸ و امثال این احکام و عقاید خرافی دیگر، متاثر می‌گردید؛ در حالی که آموزه‌های اسلام، مردم ایران را از این خرافه‌گرایی، نجات داد.

پی‌نوشت:

۱. بقره، آیه ۱۷۰.
۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۳۹، تهران، انتشارات صدرا.
۳. رک: ابراهیم پورداوود، اوستا، ص ۷۱، نشر دنیای کتاب، ج ۱، ۱۳۸۲ ش.
۴. رک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۲۱۹، (خدمات متقابل اسلام و ایران)، انتشارات صدرا، ج ۳، ۱۴۱۹ ق.
۵. رک: آرتور کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، ص ۲۳۴، تهران، نشر صدای معاصر، ۱۳۷۸ ش.
۶. رک: جلیل دستخواه، اوستا، ج ۲، ص ۷۱۵ و ۷۱۶، فرگرد پنجم، ص ۴۶ و ۵۷، انتشارات مروارید، ج ۱، ۱۳۷۰ ش.
۷. اوستا، ج ۲، ص ۸۲۲ و نذیاد فرگرد چهارم.
۸. کریستیان بارتمله، زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصر صاحب زمانی، ص ۵۶-۵۷، تهران، نشر عطائی، ۱۳۳۷ ش.

اداره خانواده با جمعیت زیاد!

«بحران جمعیت در ایران»، عنوان یکی از برنامه‌های تلویزیون اینترنتی «پاسخ» بود که حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر فولادی، عضو هیئت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، میهمان آن بود. در ادامه، بخشی از دیدگاه‌های ایشان در این برنامه، تقدیم می‌گردد.



سوال: آیا اساساً حکومت اسلامی می‌تواند به این موضوع، ورود کند که خانواده‌ها جمعیت کمتر یا بیشتر داشته باشند یا اینکه مردم و خانواده‌ها را به این سمت ببرد که مثلاً چند فرزند داشته باشند؟

وظیفه حاکمیت، این است که نیازهای اساسی مردم را با استفاده از منابعی که در اختیار دارد، تامین کند. منابع، گاهی انسانی و گاهی ثروت‌های خدادادی هستند. حکومت، منابع انسانی را بسیج می‌کند و منابع مادی را استخراج می‌کند و در راستای تامین نیازهای اساسی، به کار می‌گیرد. از میان تمام منابع، مهم‌ترین آنها، منابع انسانی هستند. جامعه‌ای که منابع مالی و ذخایر فراوانی دارد، ولی جمعیت مناسبی ندارد، نمی‌تواند از منابع استفاده کند؛ اما جامعه‌ای که حتی منابع معدنی خدادادی نداشته باشد، ولی نیروی انسانی کافی، مناسب و ماهر داشته باشد، می‌تواند آن منابع را به دست بیاورد. لذا مهم‌ترین کلید و راز موفقیت هر حاکمیتی، داشتن منابع انسانی کمی و کیفی لازم است.

در بحث نظریات جمعیتی، چهار دیدگاه وجود دارد:

- همواره تاکید کنیم که جمعیت، باید مطلقاً کاهش پیدا کند که این غلط است.
 - همواره بگوئیم جمعیت افزایش پیدا کند که این هم به طور مطلق، مورد قبول نیست.
 - همواره جمعیت را ثابت نگه داریم.
 - تناسب جمعیت با شرایط داشته باشیم. یعنی محاسبه کنیم که مثلاً الان وضعیت جنگ است یا وضعیت شرایط اقلیمی چهار فصل جامعه ما و معادن فراوانی که به صورت خدادادی داریم، ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون نفر را به راحتی می‌تواند تامین کند.
- وظیفه نظام سیاسی، ورود به مسئله جمعیت است. نظام اسلامی باید قوانین، آرمان‌ها و ارزش‌های دینی را در جامعه محقق کند. ما باید توصیه کنیم به اینکه از نظر جمعیتی، آینده تیره و تاری در پیش رو داریم و اقتدار نظام سیاسی ما دارد زیر سوال می‌رود.
- کشورهای دیگر هم این دغدغه را دارند. الان در

جامعه‌ای که منابع مالی و ذخایر فراوانی دارد، ولی جمعیت مناسبی ندارد، نمی‌تواند از منابع خود استفاده کند؛ اما جامعه‌ای که حتی منابع معدنی خدادادی نداشته باشد، ولی نیروی انسانی کافی، مناسب و ماهر داشته باشد، می‌تواند آن منابع را به دست بیاورد. لذا مهم‌ترین کلید و راز موفقیت هر حاکمیتی، داشتن منابع انسانی کمی و کیفی لازم است

کشور چین - که یک وقتی، بحث کنترل جمعیت مطرح بود - هم به این نتیجه رسیده‌اند که باید افزایش جمعیت داشته باشند. این موضوع، فردینی است و تنها ارتباط به حکومت اسلامی ندارد؛ کشوری مثل چین با یک و نیم میلیارد جمعیت - که پانزده برابر جمعیت جامعه ماست - اگر ره‌ایش کنند و محدودیتی برایش نباشد، نیازهای همه دنیا را می‌تواند تامین کند. یعنی آنها قطعاً برنامه دارد. آن وقت ما با این همه امکانات خدادادی و منابع، در اداره ۸۴ میلیون جمعیت، مانده‌ایم چه کار کنیم!

یکی از دغدغه‌های خانواده‌ها این است که اگر جمعیت من زیاد شود، چه کار کنم و چطور آن را اداره کنم؟ حال ما می‌خواهیم به این موضوع، نگاه

دینی داشته باشیم و ببینیم نسبت روزی رسانی خداوند به خانواده، از ناحیه فرزند، تا چه حد از نگاه قرآنی و دینی، قابل دفاع است.

در منابع دینی ما، فراوانی به ازدواج و فرزندآوری سفارش شده است. شخصی خدمت پیامبر می‌آید و می‌گوید: فقیر هستم؛ چه کار کنم؟ حضرت می‌فرماید: برو ازدواج کن؛ خدا گشایش می‌دهد. می‌گوید ازدواج کردم؛ اما باز هم فقیر هستم. حضرت می‌فرماید: خدا به تو فرزند بدهد. فرزند، هدیه خداست و روزی اش را با خودش می‌آورد.

وظیفه حاکمیت، این است که نیازها را تامین کند و اشتغال و رونق ایجاد کند. اتفاقاً جامعه‌ای که جمعیتش زیاد است، اگر برنامه‌ریزی درست انجام شود، نه تنها جمعیت، مانع اشتغال و عامل فقر نیست؛ بلکه اشتغال و رونق اقتصادی هم ایجاد می‌کند. در کنار اینکه ما فرهنگ‌سازی می‌کنیم برای افزایش جمعیت، باید از لحاظ اقتصادی هم کار کنیم. وظیفه دولت این است که کمک کند و تسهیلات ایجاد کند.

یکی از دلایل اساسی بیکاری در جامعه ما، عدم مدیریت صحیح منابع عظیم خدادادی است. در میان ده کشور ثروتمند دنیا، ایران پنجمین کشور دنیاست؛ منابعی مثل طلا، نفت، گاز، مس، نقره، چوب، زغال سنگ، اورانیوم، آهن، فلزات و...؛ اما از آن طرف، میزان مصرف ما هم چندین برابر میانگین مصرف جهانی است. در نتیجه، ما باید درباره استفاده درست از منابع، فرهنگ‌سازی کنیم.

شعر پاسخ

علی علیه السلام بصیرت عماروار

می خواهد...

مهدی جهاندار

شراب خانه و میز قمار می خواهد
 بنی امیه جمار و خمار می خواهد
 بنی امیه فقط مردمان بی طرفی
 به بی تفاوتی روزگار می خواهد
 بنی امیه فقط شیعیان نادانی
 فریب خورده و بی اختیار می خواهد
 بنی امیه علی را میانه میدان
 بدون دلدل و بی ذوالفقار می خواهد
 بنی امیه امام جماعتی اهل
 نماز و روزه، ولی بی بخار می خواهد
 بنی امیه امام و رئیس جامعه را
 عبا به دوش، ولی تاجدار می خواهد
 بنی امیه سیاستمدار بی خطری
 که با یزید بیاید کنار می خواهد
 فریب کار و ندانم به کار و سازش کار
 از این قبیل سیاستمدار می خواهد
 بنی امیه فقط آن شریح قاضی را
 که وقت فتنه بیاید به کار می خواهد
 بنی امیه اباشهوت و اباشکمی
 نزول خواره و بی بند و بار می خواهد
 که هرچه می کشد اسلام از جهالت ماست
 علی بصیرت عماروار می خواهد
 که هرچه می کشد اسلام از منیت ماست
 حسین، جان به کف و جان نثار می خواهد
 کسی که ماه بنی هاشم است سقایش
 حضور در وسط کارزار می خواهد
 کسی که ماه بنی هاشم است سربندش
 سپاه حرمه را تار و مار می خواهد
 کسی که ماه بنی هاشم است مهتابش
 لبان تشنه، دل بی قرار می خواهد
 هنوز در دل میدان، حسین منتظر است
 هنوز حضرت معشوق، یار می خواهد



عکس پاسخ

۷۰ سال پیشگامی در پاسخ گویی به شبهات / تجلیل از مرجع عالیقدر، حضرت آیت الله العظمی سبحانی در اولین جشنواره پاسخ برتر

ویکی پاسخ

راز خانه مکعب

سؤال: چرا خانه خدا به صورت مکعب است؟



از ویژگی های «کعبه» - که از اسم آن هم مشخص است - مکعب شکل بودن این خانه است. در برخی از روایات، دلایلی بر مکعب بودن این خانه بیان شده است.

برخی گفته اند: کعبه، به معنی مرتفع و نشان دهنده رفعت معنوی این خانه است.^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره مربع شکل بودن خانه خدا، چنین آمده است: «کعبه در محاذات (مقابل) بیت المعمور است؛ بیت المعمور در محاذات عرش واقع است و عرش، چهار ضلع و رکن دارد؛ از این رو، کعبه نیز مربع و بر چهار رکن ساخته شد». امام علیه السلام در بیان مربع بودن عرش نیز فرمود: «کلماتی که اسلام بر آن بنیان شده، چهار تاست و این کلمات، همان تسبیحات اربعه «سبحان الله»، «الحمد لله»، «لا اله الا الله» و «الله اکبر» است».^۲

معنای سخن امام، این است که تسبیحات اربعه - که نظام هستی، بر آنها مبتنی است - سبب تحقق عرش مربع هستند و تکون عرش، مایه تحقق بیت المعمور و بالاخره بیت المعمور، سبب تحقق موجودی طبیعی



در عالم طبیعت می شود که کعبه است و چهار وجه دارد؛ یعنی آنچه در عالم طبیعت است، الگویی از عالم مثال و عالم مثال هم خود الگویی از عالم مجردات تاّم و عالم مجردات تاّم نیز الگویی از اسمای حسنی الهی است که فوق تام است.^۳

پی نوشت:

۱. سید مصطفی حسینی دشتی، معارف و معاریف، تهران، انتشارات مفید، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۵۲۲.
۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۳، ج ۹۶، ص ۵۷.
۳. عبدالله جوادی آملی، جرعه ای از صهبای حج، تهران، نشر مشعر، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۹۲.

شاهد

شبهه شناسی / تبیین سئو و پاسخ نویسی

ضمیمه نشریه پاسخ.

ویژه پویش مطالعاتی پژوهشگران و طلاب جوان مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)

- pasokh.org
- spasokh.com
- wikipasokh.com
- pasokh.tv
- shobhepajouhi.ir